

## معرفی کهن‌ترین نقشه جغرافیایی آذربایجان در جهان

امیر هوشنگ انوری (پژوهشگر و نویسنده)

### مقدمه

تحقیق‌های جدید سرآغاز تاریخ نقشه نگاری (کارتوگرافی) را به مکتب جغرافیای یونان باستان نسبت داده است. در حالی که هم اکنون نمونه‌های قدیمی‌تری از نقشه‌های جغرافیایی مربوط به تمدنهای کهن تری چون چین، هند و ایران وجود دارد. از جمله نقشه‌ای بسیار قدیمی مربوط به دوره هخامنشی که در آن پاسارگاد در مرکز جهان شناخته شده قدیم ترسیم شده است و معرفی و بررسی آن در دست تحقیق نگارنده قرار دارد. افزون بر این، اکنون هیچ نقشه‌ای که تاریخ رسم آن مربوط به عصر یونان باستان باشد در دست نیست. البته این به آن معنا نیست که دانش جغرافیای یونانی فاقد نقشه بوده است؛ بلکه منظور این است از اصل آن نقشه‌ها اکنون اثری نیست و به سبب گزند حوادث در فاصله زمانی طولانی که سپری شده سندی به دست ما نرسیده است. حسین مونس، دانشمند برجسته مصری و استاد دانشگاه قاهره به روشنی مستند کرده که امروز تقریباً هیچ نقشه‌ای از یونان قدیم به جای نمانده و آنچه با این عنوان موجود است نمونه‌هایی هستند که از سده‌های ۱۵ و ۱۶م به این سو توسط کارتوگرافان اروپایی، اما به نام یونانی‌ها تهیه شده است (بنگرید به دو کتاب: مونس، حسین (۱۹۶۷) *الجغرافیه و الجغرافیین فی الاندلس*، مادرید: موسسه المطالعات الاسلامی؛ مونس، حسین (۱۹۸۶) *تاریخ الجغرافیه و الجغرافیین فی الاندلس*، قاهره: مکتبه مدبولی). واقعیت اینجاست که نقشه‌های مذکور به دست رسامانی چون جیاکومو گاستالدی (۱۵۰۰-۱۵۶۵ م)، جرارد مرکاتور (۱۵۱۲-۱۵۹۴ م)، آبراهام اورتلیوس (۱۵۲۷-۱۵۹۸ م)، جان اسپید (۱۵۲۲-۱۶۲۹ م) و... کشیده شده‌اند با این ویژگی که اطلاعات و شکل نقشه‌ها مبتنی بر اطلاعات درج شده در متون قدیمی جغرافی دانان یونانی چون آناکسیماندر (۶۱۰-۵۴۶ پ.م)، هکاتوس (۵۰۹-۴۷۲ پ.م)، هرودوت (۴۸۴-۴۲۵ پ.م) و مانند آن است.

با این مقدمه کوتاه اکنون می‌توان پرسش مورد نظر این نوشتار را مطرح کرد: که با استدلال فوق کهن‌ترین نقشه‌ای که در حال حاضر از سرزمین باستانی آذربایجان در دست است کدام نقشه و متعلق به چه کسی است؟ منظور از نقشه آذربایجان نقشه‌ای است که به طور مشخص به نمایش منطقه آذربایجان پرداخته باشد. به بیان امروزی نقشه منطقه‌ای، نه نقشه‌هایی که گستره وسیعتری را شامل شده‌اند. مانند نقشه‌های جهان‌نما یا آسیا و

یا حتی نقشه‌های سرزمین ایران. تفاوت و اعتبار اصلی نقشه‌های منطقه‌ای ارایه جزئیات مانند اسامی شهرها و آبادیها و نمایش دقیق‌تر عوارض طبیعی و ترسیم اطلاعات راهها است که نقشه‌های جهان‌نما نظر به رویکرد کلان‌نگری‌شان فاقد آن‌اند.

نخستین کسی که می‌دانیم جهان شناخته شده قدیم را در قالب نقشه‌های منطقه‌ای متعدد ترسیم کرده، کلادیوس بطلمیوس (قرن اول و دوم م) برجسته‌ترین کیهان‌شناس و جغرافی‌دان یونان عهد باستان است. او آسیا را در ۱۲ نقشه منطقه‌ای و همراه با ارایه جزئیاتی که تا آن زمان بی‌سابقه بود رسم کرد. هر نقشه را تابلو نام گذاشت و آذربایجان در سه تابلو نمود یافته است. در تابلوی پنجم برخلاف تابلوهای چهارم و سوم که قسمت‌هایی از آذربایجان دیده می‌شود تمام منطقه آذربایجان کشیده شده است و این نخستین نقشه منطقه‌ای از منطقه مورد نظر ما است. اما، به دنبال استدلالی که در بالا رفت باید دانست قدیمی‌ترین نقشه‌های بطلمیوس که تاکنون یافت شده‌اند نه متعلق به او، بلکه باز ترسیمی بر اساس اطلاعات کتاب *جغرافیا* ی بطلمیوس‌اند که قدمت آنها از سده ۷ ق/ ۱۳ م قدیمی‌تر نیستند. در حالی که نقشه مورد معرفی این پژوهش متعلق به سده ۴ ق/ ۱۰ م، یعنی حدود سیصد سال قدیمی‌تر است! در نتیجه این نقشه، کهن‌ترین نقشه منطقه‌ای آذربایجان است که تاکنون یافت شده است و تا این زمان در جهان ناشناخته مانده و اینک برای نخستین بار است که معرفی می‌شود.

## نقشه‌نگار

کهن‌ترین نقشه جغرافیایی منطقه آذربایجان که در حال حاضر تنها یک برگ از آن درون نسخه خطی بسیار قدیمی در دست است متعلق به یک ایرانی به نام ابوزید احمد بن سهل بلخی (ح ۲۳۵ - ۳۲۲ ق/ ۸۴۹ - ۹۳۴ م) است. او در ده شامستیان از رستاق نهر غربنکی که یکی از دوازده نهر بلخ در خراسان بزرگ است، زاده شد؛ اما، پدرش سیستانی بود. در جوانی به بغداد رفت و در شمار شاگردان فیلسوف معروف ابویوسف یعقوب بن اسحاق کندی درآمد و از او فلسفه و هیئت و احکام نجوم و طب و علم طبایع و اصول دین آموخت. ابوزید بلخی از اولین فیلسوفان ایران دوره اسلامی است و از نخستین کسانی است که کوشیده است میان فلسفه و دین آشتی ایجاد کند و او را بیشتر در مقام یک فیلسوف و مفسر می‌شناسند؛ نه یک جغرافی‌دان. اما، ابوزید افزون بر کتابها و رساله‌های فراوان در علم قرآن و فلسفه و . . .، کتابی نیز در جغرافیا داشته به نام *صورالاقالیم* که دربردارنده نقشه‌ها و متن جغرافیایی او بوده است (برای آگاهی درباره نقشه‌های جغرافیایی بلخی و مکتبی که بر اساس روش او در جغرافیا و نقشه‌نگاری به نامش مکتب بلخی عنوان گرفت، بنگرید به: گنجی، محمد حسن و

امیرهوشنگ انوری (تابستان ۱۳۹۰)، «نقشه و نقشه نگاری در تمدن اسلامی»، فصلنامه علمی پژوهشی مطالعات تاریخ/اسلام، ش ۹، صص ۹۷-۱۲۶ [قابل دسترسی در اینترنت].

### نسخه‌شناسی

اثر جغرافیایی بلخی که نقشه وی نیز در آن گنجانده شده باید در سال ۳۰۸ یا ۳۰۹ ق / ۹۲۰ م یا کمی بعد تألیف شده باشد. این کتاب در منابع مختلف نام‌های گوناگون دارد؛ جایی *صور الاقالیم* و جای دیگر *اشکال البلاد* و جای دیگر *تقویم البلدان* عنوان گرفته است و به نظر کراچکوفسکی همین قضیه نشان می‌دهد که متن اصلی کتاب، حتی در زمان‌های نزدیک به مؤلف، ناشناخته بوده است. کتاب بلخی، اطلسی از نقشه‌ها بوده که پاره‌ای توضیح‌ها همراه داشته است (کراچکوفسکی، ایگنیاتی، تاریخ نوشته‌های جغرافیایی در جهان اسلامی، ترجمه ابوالقاسم پاینده، تهران: علمی فرهنگی، ۱۳۷۹، ص ۱۵۷). بارتولد نیز تایید کرده که بلخی مجموعه‌ای از نقشه‌ها را ترسیم کرده است، چرا که کتاب *السماء العالم* یا *تفسیر صور او*، «می‌تواند اثری باشد که مؤلف درباره توضیح نقشه‌های خود نوشته است.» (*حدود العالم من المشرق الی المغرب*، با مقدمه و.و بارتولد و حواشی و. مینورسکی، تهران: دانشگاه الزهرا، ۱۳۸۹، ص ۲۵)

تا پیش از این تنها سه نسخه خطی از کتاب بلخی توسط دانشمندان غربی شناسایی شده بود که قدیمی‌ترین آنها تاریخ ۵۸۹ ق / ۱۱۹۳ م داشت. اما خوشبختانه کوشش حقیر در یافتن دو نسخه بسیار ارزشمند دیگر که یکی اصلی و دیگری استنساخ آن است به ثمر نشست. و ناگفته نباید گذاشت که در یافتن هر دو نسخه تلاش محقق ارجمند آقای احمد خامه‌یار بسیار راهگشا بود. نسخه خطی اصلی به قرن ۴ ق / ۱۰ م یعنی زمان حیات نویسنده تعلق دارد و به شماره ۴۳۵۴ در مجموعه شیخ عارف حکمت در کتابخانه دانشگاه ملک عبدالعزیز واقع در شهر مدینه نگهداری می‌شود. تلاش همکاران بعثه رهبری در مدینه منوره که موجب شد روگرفت (کپی) کامل و باکیفیت نسخه در اختیار اینجانب قرار گیرد در اینجا شایسته تقدیر است. این کشف نگارنده همان طور که در تحقیقی جداگانه مفصل نیز بررسی کرده، ادعای برخی از دانشمندان غربی مانند دخویه را مبنی بر این که اساساً از *صور الاقالیم* بلخی نسخه‌ای مانده و آن سه نسخه نیز رونوشتی از کتاب *مسالک و ممالک* اصطخری هستند را بی‌پایه خواهد ساخت.

بر اساس شناسنامه نسخه، مؤلف این نسخه خطی بی‌تردید ابوزید بلخی است. زبان آن عربی با رسم الخط قرون سوم تا پنجم قمری است که در خزانه مامون عباسی در بغداد نگهداری می‌شده است. بعدها در دوره عثمانی عارف حکمت این نسخه را به مجموعه خود افزوده و اکنون در دانشگاه ملک عبدالعزیز در مدینه نگهداری می‌-

شود. ۱۱۲ برگ ۲۱ سطری با اندازه ۲۱,۵\*۲۱,۵ سانتی‌متر (ابعاد نقشه نیز همین است) دارد. در این نسخه گرانبها نوزده نقشه جغرافیایی شگفت انگیز به چشم می‌خورد. یازدهمین نقشه، نقشه مناطق «ارمینیه و اران و آذربایجان» نام دارد و می‌توان آن را با تمام آذربایجان بزرگ (آذربایجان شرقی، غربی، اردبیل و فسمتی از مناطق مجاور)، شرق آناتولی، بخش کوچکی از شمال کردستان عراق و تمام قفقاز جنوبی قابل انطباق دانست.

## شرح مفاهیم جغرافیایی نقشه

توصیف و بررسی این نقشه از قرار زیر است:

برای درک بهتر مطالعه نقشه از بالا به پایین صورت گرفته است. با دقتی در متن نیم دایره سبز رنگ سمت راست می توان عبارت «بحر الخزر» را دید که نمایش دهنده بخشی از دریا است. رنگ سبز نماد عوارض طبیعی مانند آبها و کوهها است. در حاشیه پایین دریای خزر: سفیدرود و الجیل (گیلان) دیده می شود. دو خط موازی به همان رنگ از منهی الیه سمت چپ به دریای خزر پیوسته اند که بالایی رودخانه گُر «نهر الکر» و پایینی رود ارس «نهر الارس» است. در بالاترین قسمت نوشته «بلاد آلان و السیریر و قبق و غز و لک» که اسامی قبایل و سرزمینهای شمال قفقاز در اوکراین یا روسیه جنوبی امروز است. فاصله دو رود گُر و ارس در نقشه سرزمین «الران» (اران) است و باید آن را با جمهوریهای آذربایجان و گرجستان و ارمنستان (قفقاز جنوبی) یکی دانست. شهرهای آن در شمال رود گُر عبارت اند «باب الابواب (دربند)، شیروان، باکوه (باکو)، قَبَلَه (شمال جمهوری آذربایجان)، شَکی (نزدیک مرز داغستان)، شَمَخیه (شماخی)».

بین گُر و ارس نیز: «بیلقان» (اکنون خرابه های شهر قدیمی کنار شوشا موجود است و نام شهرستانی در جمهوری آذربایجان)، بَرَدَعَه (اکنون خرابه های آن شهر مهم که مرکز اران بوده در قسمت مرکزی دشت قَرَه باغ در شمال ارس وجود دارد)، جَنَزه (گنجه امروز)، حُنَاق (شهری قدیمی در شرق تفلیس)، شَمکور، قَلیقَلَه (قالیقلا)، تَفلیس».

در محدوده زیر رود ارس کوه «سبلان» با مثلثی نموده شده و زیر و اطراف آن شهرهای آذربایجان به شرح زیر خود می نمایند: در آنجا که به علت آسیب دیدگی نوار چسب سفید مشاهده می شود شهر «وَرَتان» (به گفته مینورسکی خرابه های آن اکنون در التان دیده می شود، همان وَرَدانگرد ارمنی است، شاید هم وَرَزقان امروز)، بَرَزند (باید همان قالا برزند در نزدیکی غرب شهرستان گرمی باشد)، اردبیل، مِیَمَد (میمند که اکنون دهی است از شهرستان نیر)، سَراه (همان شهر سراب)، اُرم (چیزی درباره انطباق آن با وضعیت فعلی نیافتیم)، اهر، بَد (قلعه بابک)، دَبیل (در ارمنستان قدیم قرار داشت)، سیسجان (بیرون از آذربایجان و در ارمنستان)».

در نیمه پایینی نقشه با مبدا گرفتن اردبیل می توان شهرها و مفاهیم جغرافیایی زیر را استنباط کرد: «المیانج (میانه)، الخونج (کاغذکنان)، المراغه (مراغه)، دیرخرقان (دهخوارقان=آذرشهر)، اورمیه، سلماس، خوی، برکری، ارجیش، خلط، بدلیس، میافارقین، آمد» که شش شهر آخر اکنون به جنوب شرق آناتولی و شمال کردستان عراق مربوط اند.

«جابران، تبریز، اشنه (مهباد)» نیز در بالای دریاچه ارومیه که با مربع معلوم شده قابل تشخیص هستند.

از اطلاعات این سند کهن که اکنون هزار سال از قدمت آن می‌گذرد می‌توان دریافت که آذربایجان در آن هنگام در آبادانی کامل به سر برده و شهرهای آن چنان مشهور بودند که در نقشه‌ای جغرافیایی ثبت شده‌اند. در مقایسه این نقشه با نقشه مشابه مربوط به مناطق دیگر در همین نسخه معلوم می‌شود که آذربایجان از بابت شمار شهرهای بزرگ، روستاها و آبادیهای مهم و مسیرهای ارتباطی منطقه‌ای مهم و پُر رونق بوده است. افزون بر نام و شمار شهرها نکته مهم قابل دریافت دیگر از نقشه مسیر راههای کهن است که با خطوط نارنجی رنگ متمایز شده و قابل تشخیص‌اند. اطلاعات این سند مشخص می‌کند که در قرن سوم هجری/ نهم میلادی آذربایجان محل گذر و مبدا و مقصد راههای کاروان‌روی متعددی بوده است و اردبیل که در زمان بلخی مرکز آذربایجان شمرده می‌شده کانون پیوستن شاهراههای اصلی زیر با یکدیگر بوده است:

۱. اردبیل به زنجان در جهت جنوب شرقی که آذربایجان را با ری پیوند داده و ری خود چهارراهی ارتباطی به ویژه با مرکز ایران و مشرق بوده است.
۲. اردبیل به آمد در جنوب غرب که موجب وصل شدن آذربایجان به منطقه پر اهمیت بین‌النهرین (میان رودان) می‌شده است.
۳. اردبیل به دبیل به سمت غرب و رسیدن به آناتولی شرقی و از آنجا به دریای مدیترانه بوده است.
۴. اردبیل به بردعه به سوی شمال که آذربایجان را با سرزمینهای شمال رود ارس و قفقاز جنوبی پیوند می‌بخشیده است.

### نتیجه

با توجه به اینکه در حال حاضر قدیمی‌ترین نقشه‌هایی که از یونان باستان به دست ما رسیده به قرن چهاردهم م تعلق دارند، نقشه ابوزید بلخی که در سده نهم م تهیه شده هم اکنون کهن‌ترین سند مصور جغرافیایی است که در مورد منطقه آذربایجان در اختیار داریم. مطالعه نقشه آذربایجان بلخی نشان می‌دهد که نظر به فراوانی شهرها، روستاها، سرزمین مورد نظر ما در گذشته‌ای بیش از هزار سال پیش (تاریخ رسم نقشه) بسیار آباد بوده است. همچنین نقشه به نمایش راههای کاروان روی باستانی پرداخته و معلوم کرده که در آن زمان، آذربایجان محل عبور شاهراههای اصلی دنیای قدیم در جهات چهارگانه بوده و نقش ارتباطی مهمی ایفا می‌کرده است.

**کلیدواژه:** آذربایجان، نقشه‌های تاریخی جغرافیایی تاریخی

**(خوانندگان برای مطالعه بیشتر درباره موضوع این مقاله بنگرند به: انوری، امیرهوشنگ، اطلس تاریخی نقشه-**

**ها و تصویرهای جغرافیایی آذربایجان، (۱۳۹۴)، تهران: ندای تاریخ)**